



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

روزها با سوزها، روزها با اشک‌ها

قانع و منش فروتنانه دکتر اسلامی به هیچ روی خرسندبدین کار نمی‌شد. وی می‌گفت: «من هر آنچه از زندگی و ادب و جامعه می‌خواستم بدان رسیدم و از آن بهره گرفتم و خود را بستانکار کسی نمی‌دانم». اما دوستان وی از بای تنشستند و سرانجام ایشان را در این حذرراضی نمودند که اجازه بدهند گروه‌های گوناگون دانشجویی، فرهنگی و هنری دیدار دوستانه‌ای با او داشته باشند و خوشبختانه چنین پیشنهادی پذیرفته شد و مصداق این مثل معروف به عیان رخ نمود:

«در دل دوست به هر حيله رهي بايد جست» (نشاط اصفهانی)

اندک اندک جمع مشتاقان از راه رسیدند و نخستین دیدار در صبح

روزهای گرم و سبک‌بار اردیبهشت ۸۴، دیار یزد پذیرای خیل دوستان و دوستانان دکتر اسلامی ندوشن بود. چه دوستانی که از ارومیه، تهران، اصفهان، شیراز و مشهد بدین دیار ره سپرده بودند و چه دوستانرانی که در زادگاه او خواننده آثار زلال و دلنشین و دردمندانه او بودند.

سال‌ها بود که خوانندگان آثار دکتر اسلامی به ویژه هم‌دیاران وی بر آن بودند که به نشانه حق‌شناسی و ارج‌گزاری بر شصت سال خدمت صادقانه و عاشقانه او در راه بیداری جامعه و جوانان و نیز شکوفایی فرهنگ و ادب پارسی، نکوداشتی درخور برای وی سامان دهند، اما طبع



حسین مسرت

آتشین نطق تو مضمون خطابِ روزها
 آفرین بر آن قلم کز جنبش خود آفرید
 نثر شیوا، نظم شیرین با نصابِ روزها
 شد ز نام دکتر اسلامی، ندوشن جاودان
 بیش بادا عمر این گل با گلابِ روزها
 جمع زیادی از دانشجویان به ویژه دانشجویان ادبیات دانشگاه‌های
 یزد و آزاد اسلامی نیوشنده سخنان دو اندیشمندی بودند که درباره دکتر
 اسلامی سخن گفتند استقبال خوب دانشجویان آن هم در موقع
 امتحانات پایان ترم نشان از دل‌بستگی اینان به دکتر اسلامی داشت.

چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت در تالار احمر یزد به همت دانشجویان
 کانون اندیشه سبز و همگامی دانشکده ادبیات دانشگاه یزد و همراهی
 مدیریت هلال احمر یزد شکل گرفت.
 خیر مقدم دکتر سید محمود الهام بخش رئیس دانشکده ادبیات
 دانشگاه یزد همراه با قرائت شعر «روزها» سروده خود او آغاز بخش
 برنامه‌های آن روز بود. بخشی از شعر چنین است:
 ای فروغ نام نیکت آفتابِ روزها
 مظهر سیر کمالاتت شتابِ روزها
 یزد شد «روشن‌تر از روشن» به یمن مقدمت

روشن نهاد ادبیات ایران، دستاورد این جلسه بود. واپسین تدبیر، اهدای لوح سپاس دانشکده ادبیات و کانون اندیشه سبز به پاس تلاش‌های دکتر اسلامی به ایشان بود. همه چیز به پایان رسیده بود؛ اما شوق و ذوق دانشجویان را نه، که آنان آثار دکتر اسلامی را به دست گرفته و در نوبت گرفتن دستخطی به یادگار از استاد بودند. مجری این برنامه دکتر مجید پویان از دانشکده ادبیات بود که برنامه‌ها را با قرائت اشعار زیبایی از شعرای معاصر همراهی می‌کرد.

دومین دیدار نشست بود صمیمانه با حضور جوانان، دانشجویان، هنرمندان و فرهیختگان یزد که به همت انجمن پازنگ به سرپرستی سعید افضل پور سامان یافته بود. آغازگر برنامه‌ها اجرای قطعاتی بود در موسیقی ایرانی با آواز آقایان دستگاه‌دار و دشمه که اشعاری را از زنده یاد فریدون مشیری و حافظ می‌خواندند و در پایان به اجرای جدید سرود «ای ایران» اثر جاودانی روح الله خالقی و حسین گل گلاب پرداختند. سپس دو تن از یاران دکتر اسلامی، شنوندگان را با چند و چون آثار

نخستین سخنران دکتر مهدی نوریان از دانشگاه اصفهان بود که از «ادبیات محض و ادبیات کاربردی» گفت و پس از اشاره به پیشینه آشنایی خود با اسلامی بیان داشت: در رشته زبان و ادبیات فارسی، محققان بزرگی بوده و هستند که با احاطه و آگاهی ژرف و گسترده‌ای که بر جزئیات مسائل لغوی و دستوری و بلاغی و تاریخی متون ادبی یافته‌اند به پژوهش‌های ارزشمندی در این زمینه‌ها پرداخته و نکته‌های فراوانی را روشن ساخته‌اند. اما این مطلب که میراث ادبی درخشان نیاکان ما چگونه می‌توانند با زندگی امروزی ما پیوند بخورد، کمتر مورد توجه آنان بوده است. شخصیت استثنایی و کم‌نظیر استاد دکتر محمد علی اسلامی ندوشن این کاستی را در سرمایه ادبی عصر ما تا حد زیادی جبران کرده است.

سپس دکتر اصغر دادبه استاد دانشگاه علامه طباطبایی به تحلیل و تفسیر دیدگاه اسلامی درباره «ماجرای پایان‌ناپذیر حافظ» پرداخت و گفت: بی‌هیچ مبالغه، استاد دکتر اسلامی ندوشن از معدود



و افکار دکتر اسلامی آشنا کردند. فرهنگ جهان‌بخش از «اندیشه در آثار اسلامی ندوشن» گفت: «آنچه به آثار و نوشته‌های دکتر اسلامی ندوشن اهمیت داده و آنها را برجسته و ویژه نموده است نه فقط نثر شاعرانه و آهنگین است، بلکه توجه تام و تمام این اندیشمند ادیب به اندیشه است. اندیشه در جای جای آثار این ادیب فاضل، رخ نشان می‌دهد و چشم و ابرو می‌زند. گویی نثر زیبای استاد چون حجابی است که تن عریان تفکر را می‌پوشاند، اما این زیبا رخ نازک اندام از لابه‌لای توری ظریف نثر و کلام آثار ادبی و اجتماعی دکتر اسلامی چشم‌هر بیننده‌ای را خیره ساخته است.»

دکتر میرجلال‌الدین کزازی با آن بیان فاخر ادبی خود که شنوندگان را سرشار از واژگان ناب پارسی می‌کرد، اسلامی را «یکی از فرزندان سپاسمند فردوسی» خوانده و بیان داشت: «بی‌هیچ گمان، یکی از فرزندان برومند فردوسی که به شایستگی پاس‌پدرانه‌هاست و سالیان

حافظ شناسانی است که از خطوط رمزآمیز جام‌جم غزل‌های خواجه رندان، حقایق تازه و دلپذیر خوانده است. و در این آینه‌صدگونه تماشا کرده است، اما نه خواندنی متکلمانه و نه تماشایی تأویل‌گرایانه، بلکه خواندنی فیلسوفانه و هنرمندانه و تماشایی آزادانه، تفسیرگرایانه و واقع‌بینانه. نگرش بی‌طرفانه، به دور از تأویلهای تفسیرهای به رأی و تحمیل اندیشه‌ها به راستی دشوار است. من بر آنم که دکتر اسلامی ندوشن از جمله نوادر به شمار می‌آید.

در لابه‌لای سخنرانی‌ها چند دانشجوی ادبیات احساسات خود را در قالب نثرهای دل‌ویز و دلنشین بیان کردند. مخلوم زاده‌ها (پدر و پسر) دو هنرمند چیره دستی بودند که گوش جان‌ها را با نوای ویلون خود که موسیقی روح‌بخش ایرانی را در هوا می‌پراکنده، نوازش دادند.

پایان بخش برنامه‌های دیدار اول، جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان با دکتر اسلامی بود، پرسش‌هایی سنجیده و پاسخ‌هایی سنجیده‌تر از پیر

زندگی را در کار شناخت و شناساندن شاهنامه کرده است، دکتر اسلامی ندوشن است. شاهنامه دوستی شاهنامه شناس که دهها کتاب و جستار در شاهنامه شناسی نوشته است و فام خرد را در این زمینه به سزاواری توخته است و آتش مهر میهن را که همان مهر به فردوسی و شاهنامه است، در کانونی که «ایرانسرای فردوسی» نام گرفته است، افروخته است. تا بدین سان راه را بر نوآمدگان نوگام روشن بدارد و آنان را نوید رسیدن به فرجام دهد. در راه باریک و دشوار و مردافکن شاهنامه شناسی هر آینه این مایه شور و شرار و نستوهی در کار، شایسته سپاس و آفرین است».

سپس دکتر اسلامی چند کلمه در سیاست از برگزار کنندگان این همایش سخن گفت و جوانان پازنگ، دسته های گل را نثار او و مهمانانی کردند که در وصف او گفتند. مجری برنامه یکی از جوانان گروه پازنگ بود و در پایان دکتر غلامرضا محمدی «کویر» با قرائت اشعاری او را همراهی کرد.

پس از این بازدید، همگی راهی تالار دانش آموز شدند تا پای سخنان دکتر محمد جعفر یاحقی، استاد دانشگاه فردوسی و مدیر بنیاد فردوسی مشهد، بنشینند و بشنوند که او اسلامی را «دردمند شاهنامه و فردوسی» خوانده و از تلاش های او در بنیان ایرانسرای فردوسی و نثر آثار تحلیلی فردوسی به نیکی یاد کرده و بگوید: «نیم قرنی هست که دکتر اسلامی ندوشن درد شاهنامه را پیدا کرده است و هر چه می نویسد یک سر آن به فردوسی و حماسه ملی ختم می شود. اگر خطا نکنم از فرهنگ ایران و ایران فرهنگی به شاهنامه منتقل شده است. حرف های دکتر اسلامی در مورد شاهنامه محورهای اساسی فرهنگ ایران یعنی همان مسائلی است که برای همه و همیشه مطرح بوده و از این پس هم خواهد بود، دقیق نه، اما به حدس و گمان می توانم بگویم آنچه وی در مورد ایران و فردوسی نوشته، از نظر حجم ظاهری چیزی کم از شاهنامه نیست».

سپس پذیرای گفته های کامیار عابدی باشند که «هویت و ملیت در نگاه دکتر اسلامی ندوشن» را جست و جو کرده و دستاورد این بررسی را



در این روز «ستاره های از کبوده» ویژه نامه روزنامه خاتم یزد که با بهترین شکل ممکن گردآوری و چاپ شده بود، تقدیم حاضران شد. نمایشگاهی از آثار دکتر اسلامی در سرسرای ورودی، در چیه ای بود برای آشنای با او که در میان آنها کتاب تازه به نام های: از رودکی تا بهار، بهار در پاییز (مجموعه ای گرانسنگ حاوی ۷۷ رباعی جدید اسلامی به خط استاد امیرخانی)، و نیز روشن تر از روشن رهاورد دینار دوستانه با دکتر اسلامی ندوشن دیده می شد.

سومین دیدار صبح پنجشنبه با همت معاونت پژوهشی آموزش و پرورش یزد شکل گرفت. بازدید از دبیرستان کهن ایرانشهر و کلاسی که اسلامی روزگاری در آن درس آموخته بود، خاطره شیرین آن روز بود، این را می شد از برق نگاه دکتر دید. دبیرستان ایرانشهر به سال ۱۳۱۶ ش. بر پایه طراحی آندره گدار فرانسوی ساخته شده و هنوز پررونق ترین دبیرستان یزد است.

چنین بیان داشت: «در میان علایق فرهنگی و فکری اسلامی ندوشن، دانشور و روشن اندیش معاصر، موضوع هویت و ملیت ایرانی جایگاه خاصی دارد. وی در آثارش با تحلیل میراث ادبی و تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران بر استمرار هویت و ملیت ایرانی در طی سده ها و عصرها تأکید می ورزد. با این همه اسلامی ندوشن از لزوم بهره مندی قوم ایرانی نسبت به فرهنگ جهانی چشم نمی پوشد. زیرا شناخت و تفسیر اندیشمندان از جهان، خود آگاهی ملی و هویت قومی را وسعت می بخشد و آن قوم و ملیت را از خطر تنگ نظری دور می کند. توجه به ارزش های انسانی و فاصله گرفتن از «سخت گیری و تعصب» در ادب کلاسیک فارسی بسیار در خور توجه است و این نکته از نظر نویسنده «ایران را از یاد نبریم» پنهان نمی ماند».

اجرای موسیقی سنتی گروه پازنگ به رهبری علیرضا سهیلی زاده روحی تازه بود که در کالبد مشتاقان دکتر اسلامی دمیده شد. پس آنگاه

دکتر محمد دهقانی، از «نگرش و سبک ویژه اسلامی ندوشن» سخن گفت: «نوشته‌های دکتر اسلامی ندوشن از تنوع و تکثر فراوانی برخوردار است. وی تقریباً در همهٔ زمینه‌های ادبی، از نقد ادبی گرفته تا داستان و نمایشنامه، آثار ارزشمندی پدید آورده است. لیکن در این میان «روزها» و نیز سفرنامه‌های وی از شاخصیت بیشتری برخوردار است و به گمان من در ادبیات معاصر ما بدیلی برای آنها نمی‌توان یافت». سپس سجاد آیدنلو به «مروری کوتاه بر نیم قرن شاهنامه پژوهی دکتر اسلامی» پرداخت و بر این باور بود که «ویژگی قابل اشارهٔ فعالیت‌های شاهنامه‌شناختی دکتر اسلامی ندوشن این است که بخش‌های متنوعی از این دانش تخصصی را دربرمی‌گیرد. از جمله: نقد و تحلیل داستان‌ها و شخصیت‌های شاهنامه، بررسی انتقادی سرگذشت فردوسی و شاهنامه، اسطوره‌شناسی شاهنامه، واژه‌نامه‌شناسی و شرح ابیات، حماسه پژوهی تطبیقی که از نمایان‌ترین خصوصیات کارهای ایشان است. دکتر اسلامی در بعضی از زمینه‌های مربوط به شاهنامه‌شناسی مبدع و پیشگام هستند.»

این دو سخنرانی، بسیار به دل حاضران نشست و باز دوستداران را با جنبه‌های دیگری از توانمندی اسلامی آشنا کرد و سرانجام نوبت به حاضران می‌رسد که نبوشندهٔ تنها سخنرانی دکتر اسلامی در این چند روزه باشند که به قول خودش خطاب به معلمان و فرهنگیان است. او از ایران گفت، نه ایران جغرافیایی، بلکه ایران تاریخی، ایران فرهنگی و حوزه‌های ادبی و اجتماعی ایران، ایرانی که روزگاری بیشتر پیشرو جوامع بود:

«واقعیت آن است که ایران با کشورهای هم‌ردیف خود فرق دارد، به بیرون که نگاه می‌کنیم، همهٔ عوامل پیشرفت در او جمع است. از مادی و معنوی. از همه گویاتر نوعی نیروی ناپیدا در او بوده است که او را نزدیک به سه هزار سال سرپا نگاه داشته. در حالی که طی همین زمان تعداد زیادی از تمدن‌های برجسته یا مضمحل شده‌اند یا تغییر ماهیت داده‌اند. در مورد ایران سوء تفاهم نشود. منظور وطن‌پرستی خام و احساساتی نیست، منظور قدرشناسی نسبت به یک دقت‌تمن است. محصول کشت و کوشش یک قوم که در ازای سه هزار سال، نام این سرزمین را در جهان بلند آوازه کرده‌اند. به بهای رنج‌ها و مردانگی‌های خود. زیرا حفظ کشوری چون ایران در چهار راه معرکهٔ جهانی و تا به امروز رساندنش کار ساده‌ای نبوده است... به رغم دلسردی‌هایی که زاینده تاریخ ایران است. من همواره نسبت به آیندهٔ این کشور خوشبین هستم.»

پایان بخش برنامه‌های دیدار سوم، ایراد خطابه یکی از معلمان و اهدای لوح سپاس معلمان آموزش و پرورش یزد به دکتر اسلامی بود. نمایشگاهی هم از آثار معلمان هنرمند یزد در سرسرای تالار ترتیب داده

بودند که بسیار دیدنی بود. این برنامه هم با اجرای خوب و مسلط دکتر مجید پویان به انجام رسید.

اما دیدار چهارم که در عصر همان روز برگزار شد از لونی دیگر بود. شبی با فردوسی با حضور شاهنامه‌پژوهان مانند دکتر اسلامی ندوشن، دکتر محمد جعفر یاحقی، دکتر منصور رستگار فسایی، دکتر اصغر دادبه، دکتر محمد دهقانی و به همت هنرمندان خانهٔ نمایش و انجمن نمایش



یزد در تالار فرهنگ سامان یافته بود که با نوای گرم و ضرب مرشد رفیع‌زادگان و اجرای برنامهٔ نقالی مرشد ولی الله ترابی همراه بود.

وی با شوری خاص جمع هنرمندان و حاضران را در حال و هوای صحنه‌های به یاد ماندنی اثر جاودانی فردوسی، شاهنامه، قرار می‌داد. دست‌ها را در دست رستم می‌نهاد و به فتح قلعهٔ اشکبوس و افراسیاب می‌برد. آن‌گاه صدای چکاچاک شمشیر و ترق ترق سم آسیان را در فضا طنین می‌انداخت. و گهگاه مجری پرشور این مراسم، علیرضا خورشیدنام با صدای حماسی خود حضار را با شاهنامه و فردوسی و دکتر اسلامی آشنا می‌کرد و در این میان صدای دف سیاهش ناظری و ویلون

مخدوم زاده حال دیگری به این جمع می داد.

آن گاه دکتر منصور رستگار فسایی، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز، به پشت میز خطابه آمد و چنان پرشور و حماسی از فردوسی و شاهنامه و دکتر اسلامی گفت که گویی فردوسی مشغول ترسیم صحنه‌ها و نبردهای پهلوانان شاهنامه است. با همان صلابت و فخامت. او با آنکه نوشته‌ای نداشت، اما چنان استوار و شیوا سخن می گفت که انگار متن نوشته شده‌ای را که چندین بار پالایش شده بود، پیش روی دارد.

در لابه لای برنامه‌ها اشعار شاهنامه با نوای مرشد رفیع زادگان ذائقه‌ها را دگرگون می کرد. این برنامه نیز با سخنان کوتاه دبیر انجمن نمایش و اهدای لوح سپاس هنرمندان تئاتر یزد به پاس تلاش‌های دکتر اسلامی در بازساخت جنبه‌های نمایشی ادبیات فارسی به ایشان پایان یافت. از ابتکارات خوب برنامه‌ریزان آن شب، پخش نقل و چای به دست مهماندارانی بود که با پوشش اقوام گوناگون ایران خود را آراسته بودند. نیز دکور مراسم برگرفته از صحنه‌های شاهنامه و زیبایی‌های تخت جمشید بود.

هر شب در پایان این برنامه‌ها، مشتاقان و دوستان نزدیک دکتر اسلامی راهی به خلوتخانه او در هتل سنتی مهر می جستند که در یکی از خانه‌های تاریخی یزد ایجاد شده بود و از زبان او برخی نکات تاریخی و فرهنگی را که حاصل آزمون‌های نسلی دل آگاه و دردمند بود، می شنیدند. نسلی که جامعه ایران، زستی و زیبایی‌ها و فراز و فرودهای آن را می شناسد.

به پنجمین هم‌اورد می رسیدم. روزی که مردم ندوشن خاک پای دکتر اسلامی را توتیای چشم خود کردند. در آن روز مردم به یمن ورود فرزند ديار خود کوچه‌ها را آب و جارو کرده بودند. هزاران زن و مرد پیر و جوان از راه‌های دور و به هر وسیله‌ای بود، خود را به ندوشن، زادگاه دکتر رسانده بودند. اتوبوسی از دانشجویان دانشگاه یزد و صدها وسیله خرد و کلان از یزد راهی این دیار باستانی جسته بودند.

هنوز هم جویی که ندوشن را به دو قسمت تقسیم می کرد و اسلامی آن را به منزله نیل در مصر خوانده بود، جاری بود. کوچه‌ها هنوز بوی نان تازه می داد، خاکی و اثیری. با خاطره‌های گذر از قرن‌ها. اگر ندوشن، یک، دو خیابان آسفالت و یک شعبه بانک و چند اداره را نمی داشت، هنوز همان روستایی بود که دکتر اسلامی در کتاب روزها آن را توصیف کرده بود. دست نخورده و سالم. با همان مردم ساده و کشاورز.

جمعیت همراه دکتر به خانه فرهنگ خاور (اهدایی دکتر اسلامی) واقع در کوچه دکتر اسلامی پای نهادند. از کوچه‌های تنگ و باریک آن که بوی گل انار، مشام جان را نوازش می داد، رد شدند و به دبستان ناصر خسرو رسیدند. دبستانی که زمانی (حدود ۷۰ سال پیش) دکتر اسلامی

در آن از زبان ملاعباس با الفبای فارسی آشنا شده بود. می گویند این نخستین مدرسه روستایی در ایران و یا حداقل در استان یزد است.

پس آن گاه به حسینیة سفلی ندوشن رهسپار شدند. در آنجا سید ابوالفضل طباطبایی، شعری را در وصف دکتر خواند که چون از دل برآمده بود، بر دل نشست. دکتر رستگار فسایی چونان دیروز غرأ و با صلابت از اسلامی و خاک ندوشن گفت که چنین اندیشوری را به فرهنگ ایران تقدیم کرده است. عباس جعفری ندوشن و سیدمهدی موسوی از دبیران آن دیار حرف دل خود را زدند و سپس دکتر اسلامی در میان اشک و لبخند به پشت میز رفت و از این همه لطف مردم سپاسگزاری نمود و گفت: «بنده لایق این همه تحسین نبودم. کاش در غیاب من این کارها می شد و این حرف‌ها زده می شد تا شرمندۀ مردم خوب یزد و ندوشن نباشم. من که باشم که بر آن خاطر عاطر گذرم. دینی به ایران و دیارم داشتم که ادا کردم و بیش از آنی که می اندیشیدم از آن بهره گرفته‌ام. تنها خرسند از اینم که نام ندوشن را در سراسر جهان گرداندم.»

دوغ ندوشن بهترین هدیه‌ای بود که در این مراسم توزیع شد. دوباره خیل جمعیت همراه دکتر شدند و به موزه مردم‌شناسی در حسینیة کهنه ندوشن رفتند که ابزارهای زندگی و کار مردم این دیار را به نمایش گذارده بودند. سپس همگی مهمان مردم خونگرم ندوشن شدند، مردمی که بدون کمک از ادارات، خود پولی روی هم نهاده و هزینه نهار مهمانان را فراهم کرده بودند.

بی گمان سالیان سال مردم ندوشن، خاطره این روز تاریخی را از یاد نخواهند برد. روزی که ندوشن به پا خاسته بود از سحرگاهان که کوچه‌ها آب و جارو شده بود تا شامگاهان که پشت سر مهمانان آب و سبزی پاشیدند.

نشست‌های دیدار دوستانه با دکتر اسلامی ندوشن حاصل نخستین تجربه برگزاری نشست‌های مردمی درباره بزرگان ادب بود. حاصل کوشش و تلاش بسیاری از هواداران و دوستداران آثار و گفتار و کردار دکتر اسلامی بود که به نشانه حق‌شناسی گرد هم آمده و این برنامه‌ها را تدارک دیده بودند.

همه کمک‌ها و یاری‌ها نه بر حسب وظیفه که بر حسب ارادت بود. آن کو باید وجهی ستانده نگرفت و آن کو باید وجهی می داد از جیب بود. دکتر اسلامی را باید ستود که باعث همدلی و همراهی چندروزه اصحاب فرهنگ و قلم استان یزد شد.